جایزه ویژه درویش‌خان در کرمان

رضا ناصری در نشست نقد رویداد حافظه چوب: هنر شهری به حاشیه رفته است

رضا ناصری و عماد محسنی تکلو در نشست نقد رویداد حافظه چوب / عکس: کوثر نمک‌شناس

پاسارگاد

چندی پیش رویداد «حافظه چوب» در شهر کرمان برگزار شد. خشکسالی و به سر رسیدن عمر درختان مرگ آنها را به همراه دارد و حالا شهرداری کرمان تصمیم گرفته مرگ درختان را به زندگی‌ای دوباره تبدیل کند. رویه این بوده که درخت خشکیده را می‌بریدند و جای خالی آن به چشم می‌آمد. اما سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری کرمان تصمیم گرفت با برگزاری رویدادی جای خالی درخت را با یک اثر هنری پر کند. فراخوان این رویداد چند ماه پیش منتشر شد و حدود ۱۵۰ طرح از ۵۰ هنرمند به دبیرخانه رسید و از بین این طرح‌ها ۱۶ هنرمند برای اجرای اثر انتخاب شدند.

هنرمندان از ۲۲ تیرماه به مدت یک هفته آثار پیشنهادی خود را خلق کردند و در ۲۹ تیرماه مراسم اختتامیه برگزار و از آثار رونمایی شد. آن‌طور که برگزار کنندگان این رویداد گفته‌اند تم فکری فراخوان با نگاهی به باغ‌سنگی سیرجان و شخص درویش‌خان و حفظ زندگی در درختان خشک بود و به اثر برتر جایزه‌ی ویژه‌ی درویش‌خان نیز اهدا شد. پس از برگزاری این رویداد نشست نقد و بررسی آن شنبه همین هفته با حضور رضا ناصری دانشجوی دکترای معماری و مدرس دانشگاه در کرمان برگزار شد.

نقد بدون اما

عماد محسنی تکلو معاون سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری کرمان و دبیر رویداد حافظه چوب در ابتدای این نشست گفت: همیشه بعد از این جمله که انتقاد خوب است یک اما می‌آوریم که مثلا نقد خوب است اما، منصفانه باشد، سازنده باشد و... ولی ما دوست داریم فعالیت‌هایی را که در هنر شهری انجام می‌دهیم مورد نقد بدون این «اما» قرار بگیرد. وی ادامه داد؛ در خصوص هنر شهری و برگزاری رویدادهای شهری بعد از سمپوزیوم مجسمه در کرمان دچار خلا شدیم که هنرمندان و جامعه هنری از شهر فاصله گرفته بودند. ما می‌خواستیم تجربه رویدادهای این چنینی را بازخوانی کنیم. این رویداد به این دلیل برگزار شد که یک تجربه شبیه سمپوزیوم مجسمه را داشته باشیم و تولید هنر شهری بکنیم. به گفته‌ی وی در تولید آثار شهری تولید محتوا را فراموش می‌کردیم و یکی از اهداف این رویداد، تولید محتوا در کنار تولید اثر بود. هدف ما این بود که به تولید محتوای هنر شهری وسعت بدهیم. محسنی ادامه داد: ما در زیباسازی شهرداری برای تولید محتوا و جریان موثر نقد و گفت‌وگو برنامه داریم و می‌خواهیم خانه هنرهای شهری را راه‌اندازی کنیم. این خانه فضایی شامل گالری و فضای گفت‌وگو دارد و یک بخش کارگاهی است برای تولید آثار شهری. تمام تلاش‌مان را می‌کنیم که هر چه سریع‌تر راه‌اندازی شود.

چیزی که به حاشیه رفته هنری شهری‌است

سپس رضا ناصری معمار و دانشجوی دکترای معماری دانشگاه شهید بهشتی گفت: در مورد هنر شهری یک خلطی در شهر کرمان وجود داشته که هنر شهری زیر واژه نامفهوم و تیره‌ای به اسم زیباسازی قرار گرفته است. شهر به نظر نازیبا می‌آمده و باعث آزار بوده که سعی کردند آن را علاج کنند. برای این موضوع حتی سازمان و اداره درست کردند. ناصری افزود: برای این زیباسازی خواستند از هنر استفاده کنند، هرجایی که خالی بود یک چیزی کشیدند و اسمش را نقاشی دیواری گذاشتند. هر جایی که خالی بود شئ‌ای گذاشتند و گفتند مجسمه شهری و المان است و سعی کردند از این طریق شهر را زیبا کنند. اما این وسط اتفاقا چیزی که به محاق رفت، هنر شهری بود. بعد کمی با تاخیر بحث‌هایی بوجود آمد که این شهر در ترکیب هنر شهری چیست و هنر را واجد چه ویژگی‌هایی می‌کند؟ دقت‌هایی هم از این دست کرده بودند اما در عمل به دلیل همان نگاه، نتیجه‌ای چشم‌گیر شکل نگرفت و اتفاقا چیزی که مورد غفلت قرار گرفت، خود هنر است. به گفته‌ی وی انحراف دومی هم شکل گرفت که بیشتر از جانب دیسیپلین‌هایی مانند شهرسازی و معماری تبلیغ می‌شود و آن این بود که عناصری این چنینی، هویت بخش هستند یا نشانه شهری‌اند و عنصر تقویت کننده سیما هستند و برای شهر تعلق خاطر را تقویت می‌کند. اما در واقع این‌ها همه کارکرد ثانویه هنر شهری هستند. یعنی اگر یک هنر شهری به معنی واقعی کلمه محقق شود این موارد کارکرد ثانویه آن است. با این دیدگاه بر تولید و نصب حجم زیادی از اشیایی صحه گذاشته شد که عنوان تاریک و بی‌محتوای «المان» قرار گرفتند. با آنچه تولید و نصب شد عملا چیزی که به محاق و فراموشی رفت اتفاقا نه هنر شهری که اساسا هنر بود!

نمی‌شود کراهت دیواری را با نقاشی درست کرد

ناصری ادامه داد: شهر باید با معماری ساخته و پرداخته و تکمیل شود. این حق هر شهروند است که غالب محیط اطرافش را در شهر، معماری در برگرفته باشد. اما این حق به شکلی تهاجمی زیر پا گذاشته شده است. خیلی از نقاط اساسا تابلوهای تبلیغاتی هستند که ما را فراگرفته‌اند که یک نفر بهتر بفروشد و بیشتر پول دربیاورد ولی حق شهروندان ضایع شده است. یا آثار، المان‌ها و نقاشی‌هایی که یک سری مفهوم‌ها را به حالت ایدئولوژیک و تهاجمی به شهروندان تحمیل می‌کنند. در حالی که زیبایی در شهر باید توسط معماری محقق شود. اگر دیواری به هر دلیل معماری ندارد نمی‌شود با نقاشی دیواری آن را درست کرد.

این مدرس دانشگاه به رویداد حافظه چوب اشاره کرد و گفت: من با برگزاری رویداد حافظه چوب موافق بودم. موضوع مهم دیگر بروکراسی مدیریت هنرهای شهری است که کاری تخصصی است اما تا سال قبل توسط شهرداری‌های مناطق انجام می‌شد که تخصصی در این زمینه نداشتند. اما با تجمیع این فعالیت‌ها در معاونت سیما و منظری سازمان، برای اولین بار قابلیت مدیریت واحد و تخصصی مقدور شد. اولین حاصل این تغییر هم همین رویداد بود. موضوع مهم دیگر این است که در مقایسه با روال سابق، این رویداد شفاف‌تر بود و کل فرایند منطقی و قابل رویت پیش رفت.

سفارش‌های هنر شهری اکثرا ایدئولوژیک‌بودند

به گفته‌ی ناصری نوع سفارش‌های المان‌ها و هنرهای شهری هم اکثرا سویه‌های ایدئولوژیک داشتند و با تقاضاهای محتوایی مثل درج و نمایش هویت و تاریخ کرمان مفاهیمی مثل والفجر، خبرنگار، معلم و ... به اثر سویه می‌دادند. این موضوع به اثر جهت می‌داد و آن را سفارشی می‌کرد. ناصری معتقد است این رویداد به این لحاظ هم تفاوت مهمی دارد و آثاری که خلق شده قرابت بیشتری با انتظار از مفهوم هنر دارند.

رویداد دسته دوم

وی البته انتقاداتی هم مطرح کرد و گفت: نقدها همه بر این معطوف است که این رویداد می‌توانست قوی‌تر برگزار شود و آثار تولیدی را به آن قوام و قدرت مناسب برساند. موضوع اول اینکه این رویداد تقلیدی است از رویداد درختستان تهران با یک سری تفاوت. در رویداد درختستان تهران نوترکیب‌هایی ایجاد شد و یک رویداد کاملا نو بود. در آنجا تخیل با زمینه ترکیب شد و اتفاق‌های جذابی افتاد. اما در رویداد حافظه چوب کرمان اتفاقات آنجا تکرار شد. حتی چند نفر از همان هنرمندان درختستان تهران آمدند و مشابه کار تهران را اجرا کردند و مابقی هم روش‌ها و تکنیک‌ها و تصاویر تولید شده از رویداد درختستان تهران رهایشان نکرد تا مسیری جدید بروند. این موضوع یک مقدار رویداد را به سمت کارهای دسته دوم برد. وقتی سوژه نو است خلاقیت هم شکوفا می‌شود اما وقتی سوژه قبلا دیده شده باشد، ذهن‌ها در چارچوب سابق آزموده شده بسته می‌شوند. ناصری افزود: موضوع بعد اینکه این رویداد مبانی نظریِ خیلی پرداخته و محکمی نداشت و می‌شد فقدانَ گفت‌وگو قبل از برگزاری را احساس کرد. هر رویداد حاشیه‌هایی دارد که پرداختن به حاشیه‌ها و جزئیات کار را زیبا می‌کند. جزئیات، کار را دقیق و برجسته می‌کند. حتی اسم این رویداد هم می‌شد بهتر انتخاب شود و در راهبری و تحریک خلاقیت‌ها و تغییر جهان و انحصاری کردن اتمسفر این رویداد نقش مؤثر ایفا کند. حافظه چوب ذهن را به سمتی می‌برد که خاطره درخت را نگه داریم و یا آنچه این درخت به خود دیده را بازخوانی کنیم و برگردانیم. اگر اسم را گسترده‌تر گرفته بودیم و جوری رفتار کرده بودیم که تخیل برانگیزتر بود و می‌توانست با دنیای فلسفی پیوند بگیرد، محصول نهایی‌اش هیجان‌انگیزتر بود.

پدیده انباشتِ حظِ ملال انگیز

ناصری در ادامه دو سوال مطرح کرد: در شرایطی که هنر تبدیل به یک کالای سرگرم‌کننده و لذت‌بخش و شی‌ای تزیینی شده است، آیا باز هم می‌شود به هنر زنده فکر کرد؟ و می‌شود کارکردی برای هنر قائل بود؟

دوم در شرایط امروز جهان آیا باز هم هنر می‌تواند به تغییر شکل و دگرگون‌سازی جهان کمک کند؟

وی ادامه داد این دو سؤال زمانی مهم‌تر می‌شود که در اثر دقت به این نکته برسیم که حظ بصری و شنیداری بیش از حد به شکل ملال، انباشت شده است. یک دسته مقتضیات بصری استاندارد شده، و تقلیل تمام تجربیات از امر زیبا به لذت و سرمستی و واکنش فیزیولوژیکی صرف، مثل پرده‌ای از ملال سراسر عالم را گرفته است.

دریافت حسی، ادراک حسی و فهم زیباشناختی

وی ادامه داد: به طور کلی در مواجهه با پدیده‌ی فرهنگی یا هنری، رابطه با زیبایی در سه سطح رخ می‌دهد. دریافت حسی، ادراک حسی و سوم فهم زیباشناسانه است. این که یک جامعه در چه مرحله تمدنی قرار دارد در سطح رابطه‌ی آن جامعه با امر زیبا متفاوت است. دریافت حسی یعنی واکنش اولیه‌ای که به پدیده‌ای نشان می‌دهیم و کاملا فیزیولوژیک است. مثلا چیزی زرق و برق دارد یا صدای خوش آهنگی دارد در ما لذتی شکل می‌گیرد که بین انسان و حیوان‌ها مشترک است. این ابتدایی‌ترین سطح ارتباط حسی با امر زیبایی است. در سطح بعد درک حسی است که از پدیده به خاطر تناسبات، ترکیب‌بندی، قدرت اجرا، طبیعی بودن و ... لذت می‌بریم که این یک سطح دیگر است. به گفته‌ی ناصری اما سطح سوم فهم زیباشناسانه است. ممکن است در مواجهه با پدیده‌ای در دو سطح اول آن پدیده فرهنگی را بپسندیم ولی با فهم زیبایی‌شناسانه آن را مردود بدانیم و حتی آن را زشت بشماریم. مثلا حظ بصری ببریم، در سطح دوم خوش‌تناسب و خوش‌ساخت باشد. ولی وقتی سراغ فهم زیباشناسانه می‌رویم آن را رد کنیم. این مدرس دانشگاه با ذکر مثال ادامه داد: یک منظره چمن وسط شهر کرمان می‌بینید که در سطح اول و حتی دوم هم احساسات شما را درگیر می‌کند و لذت می‌بخشد اما وقتی فکر می‌کنیم که کرمان دارد از بی‌آبی خشک می‌شود و درختان‌اش در حال نابود شدن است، آیا چنین منظری با این که چشم‌نواز است، مناسب است که اینجا باشد؟ به نتیجه دیگری می‌رسیم. یا مثال بارزتر نماهای رومی هستند که موجش کرمان را هم گرفته، آنها خوش‌ساخت هستند و حظ بصری می‌دهند. تناسبات این نوع نما هم لذت می‌دهد. اما وقتی درک کنیم که این نماها چه مخاطره‌ای برای فرهنگ کشور دارند، نه تنها زیبا در نظرمان نمی‌مانند بلکه زشت هم محسوب می‌شوند و ما تلاش می‌کنیم آن را برچینیم.

وجود هنر در جهان ضروری است

وی ادامه داد: چیزهایی‌که در مواجهه با آثار هنری، معماری و شهری گفته می‌شود، عموما حاصل داوری‌های شکل گرفته از سطح اول و دوم‌هستند.

ناصری سپس به تاریخ زیبایی از دیدگاه آبژکتیو و سوبژکتیو پرداخت و دیدگاه فلاسفه مختلف را در این مورد بیان کرد و به این نقطه رسید که نهایتا مفهوم زیبایی به شدت سوبژکتیو و وابسته به سرمستی فیزیولوژیک شده است و سپس به تلاش‌هایی اشاره کرد که سعی کرده‌اند با غلبه بر تاریخ این دوگانگی راه مجددی را به هنر عمومی، زنده و انقلابی باز کنند.

وی ادامه داد: وجود هنر در جهان ضروری است. هنری که بتواند آشکارگاه حقیقت باشد، باعث شود جهان را بهتر بفهمیم و نیروی انقلابی در عرصه اجتماع، فرهنگ و سیاست ایجاد کند. هنرمند نشان بدهد با وضعیت اجتماعی که در قرار دارد سر ناسازگاری دارد و این شورش را در آثارش نشان دهد.

ناصری سپس در مورد آثار تولیدی در رویداد حافظه چوب و نقد آنها به خصوص اثری از هنرمند کریم الله‌خانی صحبت کرد که گویا مناقشه‌برانگیزترین اثر تولیدی در رویداد حافظه‌ی چوب بوده است.

در بازدید خبرنگاران استان از شرکت فولاد سیرجان ایرانیان مطرح شد:

در برنامه آینده، تولید را به ظرفیت بیشتری می‌رسانیم

مهندس رمضان قربان ابراهیمی، مدیرعامل شرکت فولاد سیرجان ایرانیان: ماده خام معدنی به هیچ عنوان صادر نمی‌شود؛ ارزش افزوده در آن ایجاد و سپس صادر می‌شود

پاسارگاد

دوشنبه هفته گذشته هشتم مهر ماه، خبرنگاران نشریات استان به همراه خبرنگاران سیرجانی از مجتمع معادن، کنستانتره و گندله‌سازی سیرجان وابسته به شرکت فولاد سیرجان ایرانیان بازدید کردند. این دعوت به درخواست رمضان قربان ابراهیمی مدیرعامل شرکت فولاد سیرجان ایرانیان صورت گرفت. هدف از برگزاری این مراسم اطلاع‌رسانی و آشنایی بیشتر اصحاب رسانه استان کرمان با مجموعه بزرگ شرکت فولاد سیرجان ایرانیان و هلدینگ میدکو بود.

بعد از بازدید از این مجتمع فولادی در منطقه گل‌گهر مدیرعامل این شرکت نشست خبری با خبرنگاران برگزار کرد. رمضان قربان ابراهیمی مدیرعامل شرکت فولاد سیرجان ایرانیان به همراه مهندس منوچهر ترابی پاریزی مدیر مجتمع معادن، کنسانتره و گندله‌سازی شرکت فولاد سیرجان ایرانیان و همچنین مهندس سعید قاسمی مدیر منابع انسانی این شرکت میزبان اصحاب رسانه استان کرمان و شهرستان سیرجان بود. مهندس ابراهیمی برای اولین بار در مجتمع بردسیر با خبرنگاران به گفت‌وگو پرداخت و این دعوت، دومین نشست وی با اصحاب رسانه محسوب می‌شود که این بار در مجتمع سیرجان برگزار شد.

بازدید خبرنگاران از بخش‌های مختلف شرکت فولاد سیرجان ایرانیان

شرکت فولاد سیرجان ایرانیان متشکل از دو مجتمع فولادی است که هر دو بهم وابسته‌اند. یکی مجتمع فولاد سیرجان ایرانیان واقع در منطقه گل‌گهر شامل: معادن، کارخانجات تولید کنسانتره و گندله‌سازی و دیگری مجتمع احیاء مستقیم و ذوب واقع در بردسیر. شرکت فولاد سیرجان ایرانیان چرخه کامل تولید فولاد را از معادن تا شمش فولاد در اختیار دارد.

بازدید از نواحی خردایش مراحل اولیه و ثانویه، بازدید از کارخانجات کنسانتره، کارخانه گندله‌سازی، کارخانجات دیواترینگ، بازدید از اتاق کنترل گندله‌سازی و... از مکان‌هایی بود که مورد بازدید اصحاب رسانه قرار گرفت.

قسمت سنگ‌شکن و بازدید از دپوی سنگ آهن معادن ۲ و ۴ منطقه گل‌گهر که در اختیار شرکت فولاد سیرجان ایرانیان است، نخستین بخش بود. بعد از آن از کارخانجات کنسانتره فاز ۱ و ۲ و نیز کارخانه گندله‌سازی بازدید به عمل آمد.

در بازدید از اتاق کنترل واحد تولید گندله‌سازی رییس عملیات تولید گندله‌سازی شرکت فولاد سیرجان ایرانیان، مراحل تولید گندله را از طریق مانیتورهای اتاق کنترل توضیح داد.

پس از بازدید در ادامه مهندس رمضان قربان ابراهیمی با اصحاب رسانه کنفرانس خبری برگزار نمود. وی ضمن ارایه شرح مختصری از فعالیت‌های تولیدی شرکت در سیرجان و بردسیر به سئوالات خبرنگاران پاسخ داد.

ابراهیمی توضیحاتی در مورد تولید ارایه داد: «مجتمع فولاد سیرجان ایرانیان مسیر خالص‌سازی را در پیش دارد. یعنی سنگ آهن ۴۶ تا ۵۳ درصد به کنسانتره ۶۸ درصد و کنسانتره به گندله ۶۵ تا ۶۷ درصد تبدیل می‌شود. گندله به آهن اسفنجی و به درجه خلوص آهنی ۹۰ درصد با ظرفیت یک میلیون تن و در نهایت به شمش تبدیل می‌شود.» وی ظرفیت تولیدی این مجتمع فولادی را اعلام کرد: «ظرفیت اسمی براساس شرایط خاصی شکل می‌گیرد. اگر عیار سنگ آهن پایین بیاید ظرفیت تولید نیز پایین می‌آید. برنامه تولید برای کارخانجات کنسانتره به میزان ۴ میلیون تن در سال و کارخانه گندله‌سازی ۲/۵ میلیون تن در سال است. همچنین یک میلیون تن آهن اسفنجی در کارخانه احیاء تولید می‌شود و میزان تولید شمش فولاد در کارخانه ذوب بردسیر یک میلیون تن در سال می‌باشد».

مدیرعامل شرکت فولاد سیرجان ایرانیان در خصوص مصرف آب در کارخانه‌های این مجتمع اظهار کرد: «برای تولید در هر تن ۸ تا ۹ متر مکعب آب نیاز است. برای کم کردن میزان مصرف آب، سه پروژه جانبی گذاشتیم که یکی از آن‌ها پروژه دیواترینگ است. کارخانه دیواترینگ قابلیت استحصال آب را به میزان ۴ هزار و ۲۰۰ متر مکعب در شبانه‌روز دارد. تمام آب خروجی از کارخانه کنسانتره وارد کارخانه دیواترینگ می‌شود و پس از تصفیه و استحصال مجددا به فرآوری برمی‌گردد و در چرخه تولید استفاده می‌شود. ۶۰ درصد آب از کارخانه دیواترینگ به کارخانه فرآوری برمی‌گردد. با احداث فاز دوم کارخانه دیواترینگ این مقدار به بالای ۹۰ درصد می‌رسد.» وی یکی از موارد تامین آب شرکت فولاد سیرجان ایرانیان را آب خلیج فارس دانست و اظهار امیدواری کرد در آینده این کار انجام گیرد».

«آیا فولاد سیرجان ایرانیان صادرات محصول دارد؟» از جمله سئوالات خبرنگاران بود. مهندس ابراهیمی توضیح داد: «شرکت فولاد سیرجان ایرانیان بر این اصل استوار است که بر روی ماده معدنی اولیه(سنگ آهن) بیشترین ارزش افزوده را ایجاد کند و در واقع ماده‌ای ایجاد کند که بتواند بقیه صنایع را بچرخاند. خاک را از معدن بگیرد، عیار آن را افزایش دهد، گندله، آهن اسفنجی و در نهایت شمش تولید کند. ۷۰ درصد کنسانتره تولیدی وارد خطوط کارخانه گندله‌سازی می‌شود. حدود ۲/۵ میلیون تن گندله به کارخانه احیاء مستقیم بردسیر منتقل و تبدیل به آهن اسفنجی و سپس به شمش تبدیل می‌شود.» مهندس ابراهیمی در بحث صادرات محصولات تولیدی شرکت فولاد سیرجان ایرانیان بیان کرد: «کنسانتره تولیدی در فولاد سیرجان ایرانیان بیشتر به مصرف داخلی می‌رسد. مازاد کنسانتره را در شرکت‌های دیگر نظیر فولاد بوتیای ایرانیان و دیگر شرکت‌های استان یا کشور می‌توانیم عرضه کنیم. هدف آن حلقه‌های گم شده‌ای است که در کشور نیاز است. قبلا در کشور به گندله و آهن اسفنجی نیاز بود و از خارج از کشور وارد می‌شد. الان این کمبود تامین شده است. اولویت اول مصرف در داخل کشور است. هر کدام از شرکت‌ها که در کشور نیاز داشته باشند، تولیدات‌مان را به آن‌ها می‌دهیم و مازاد را صادر می‌کنیم. تا کنون ۴ محموله حدود ۲۶۰ هزار تن گندله صادر کردیم که اکثرا به کشور چین بوده است.

۷۰-۶۰ هزار تن آهن اسفنجی به عمان، تایلند و کشورهای اروپایی صادر کردیم. تا کنون حدود ۱۶۰ هزار تن تولید شمش داشتیم و حدود ۱۵ الی ۲۰ هزار تن به عمان و تایلند صادر شده است».

«معادن این مجتمع تا چندین سال می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند و به تولید مجتمع کمک کنند؟» سئوال دیگر خبرنگاران بود. مدیرعامل شرکت فولاد سیرجان ایرانیان در پاسخ به این سئوال، ظرفیت‌های معادن این مجتمع را شرح داد: « معدن ۴ حدود ۹۰ میلیون تن آهن دارد. می‌توان گفت تا ۳۰ سال آینده معدن ۴ می‌تواند فعالیت کند. معدن ۲ می‌تواند ۴۰ میلیون تن آهن بدهد و تا حدود ۱۲ سال آینده فعالیت داشته باشد. معدن ۶ یک معدن خاص است شاید هزینه‌های استخراجش بالا باشد و در صورت شروع استخراج، حدود ۲۵ سال آینده را تامین می‌کند. در کل می‌توان گفت تا ۶۰-۵۰ سال آینده می‌توانیم فعالیت معدنی داشته باشیم. اما باید اکتشافات و استخراج معادن برای نسل‌های بعدی انجام شود و نگاه به خارج هم داشته باشیم و سرمایه‌گذاری کنیم و این مورد در دستور کار است».

مهندس ابراهیمی در مورد تعداد افراد شاغل در این مجتمع فولادی گفت: «در شرکت فولاد سیرجان ایرانیان حدود هزار و ۹۰۰ نفر به صورت مستقیم مشغول به کار هستند. حدود هزار نفر در بردسیر و در سیرجان حدود ۹۰۰ نفر همکاران مستقیم ما هستند. اما در معادن و در قسمت فضای سبز، حمل و نقل، نگهداری و تعمیرات و نیز نظافت صنعتی این مجموعه و در یک‌سری کارهای دیگر، برون‌سپاری داریم مثل: جابه‌جایی پرسنل و حمل و نقل داخل و بیرون و... که نیروهای غیر مستقیم حدود ۱۸۰۰-۱۷۰۰ نفر هستند البته به جز این افراد، پیمانکاران پروژه‌ها هم هستند.» وی ادامه داد: «اشتغال‌زایی دیگری هم در مجموعه داریم. به ازای هر نفر که مستقیم در فولاد کار می‌کند ۱۵-۱۰ نفر بیرون مشغول کار می‌شود. برای حمل‌های ریلی و جاده‌ای و تامین مواد مورد نیاز، آوردن ماشین‌آلات معدنی و... اگر ۲ هزار نفر در اینجا کار می‌کنند، حدود ۳۰ هزار نفر در بیرون از مجموعه به صورت غیر مستقیم اما وابسته به شرکت کار انجام می‌دهند».

مهندس ابراهیمی به رعایت موارد زیست‌محیطی توسط این مجتمع فولادسازی اشاره کرد: «یک‌سری استانداردها را در ISO 9001 و ISO 14000 و ISO 45001 و ISO آزمایشگاه دریافت کردیم. در بردسیر از سازمان زیست‌محیطی کشور نشان صنعت سبز را گرفتیم. بسیاری پارامترها و مسایل زیست‌محیطی را رعایت کردیم.» وی افزود: «رفع آلودگی مسئولیت و الزام ما است. باید پارامترهایی را که اداره زیست‌محیطی از ما می‌خواهد، رعایت کنیم زیرا در غیر این صورت کار را متوقف می‌کنند و ما ملزم به رعایت هستیم. هلدینگ میدکو تمامی استانداردهای سلامت و... را رعایت می‌کند».

مدیرعامل شرکت فولاد سیرجان ایرانیان درباره تیم‌داری این شرکت در والیبال و فوتسال که سئوال یکی از خبرنگاران بود، توضیحاتی ارایه داد: «یک محیط صنعتی از نظر شادابی احتیاج به ورزش دارد. در سیرجان یک تیم والیبال در سوپر لیگ داریم. در فوتسال هم تیم بردسیر در لیگ یک است. سعی می‌کنیم از مربیان و بازیکنان بومی در ترکیب تیم‌ها استفاده کنیم ولی برای ادامه ورزش حرفه‌ای در سطح کشور باید ورزشکاران حرفه‌ای را هم جذب نمود».

مهندس ابراهیمی در خصوص چشم‌انداز توسعه در این مجتمع عنوان کرد: «توسعه ادامه حیات است. زمانی که یک شرکت به ظرفیت رسید یا باید بهسازی کنید یا تکنولوژی نو معرفی کنید یا زمینه‌ی دیگری برای فردای آن شرکت تعریف کنید تا بتواند حیات داشته باشد. برای توسعه یک پروژه احیاء و یک فولادسازی دیگر را در برنامه داریم که اگر به ظرفیت‌رسانی مجموعه انجام شود، حتما این کار صورت خواهد گرفت. در برنامه آینده شرکت است که تولید را به ظرفیت بیشتری برسانیم.» وی میزان فضای سبز را در مجتمع سیرجان ۶ هکتار و در مجتمع بردسیر ۲۰ هکتار عنوان کرد و افزود: «این مقدار فضای سبز کم است و در آینده به این فضاها افزوده خواهد شد».